

اما جوانان حساسی که اینک کرباس وطنی را بر حریر اجنبی ترجیح داده بدن های مردانه خود را بدان زینت بخشیده اند باید بدانند که تنها تبدیل لباس و مشق در مسجد نود و دو وطن را درمان نمی کند ، بلکه مرد تمام آنست که خود را به میدان جنگ رساند و به مدد فداکاران تنگستانی رود و بکشد و کشته شود و شب گذشته آیت الله آقا شیخ جعفر مرا تذکر دادند که اگر يك عده یابصد نفری از اهالی حساس شیراز حاضر شوند که خود را به برازجان و جهادك رسانند من به حکم محکم پروردگار عالم که جهاد را در چنین مواقع فرض فرموده برای قیادت روحانی آنها حاضر هستم و به جانب مقصد رهسپار خواهم شد اینک هر که داوطلب است و این سعادت را در خود می بیند که در میدان جنگ حاضر شود و آفتد برکوشد تا دشمن را عقب نشاند یا در این راه کشته شود از جای برخیزد و آن کس که در خود استطاعت آن را می بیند که به مجاهدین مذکور مدد مالی کند اولین اطلاع دهد تا هر چه زودتر مجاهدین حرکت کنند و خود را به برادران دشتستانی رسانند. (۱) بدینگونه حکم جهاد آیت الله شیخ جعفر محلاتی به اطلاع عموم رسید. (۲)

نطق شباء الواقظین که بدینجا انجامید ، در آن ساعت جوش و خروش اسرار که از صمیم قلب و دین دندان برای جانفشانی و فداکاری حاضر میشدند به اعلی مرتبه رسیده بود و کم کم گرفتار با گفتار توأم گشته ، سدها زنده بساد آیت الله آقا شیخ جعفر مجتهد ، پاینده باد اسلام و ایران ، بلند شد .

(۱) فارس و جنگ بین الملل اول ص ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ .

(۲) نهضت روحانیون ایران ج ۱ / ۳۳۲ .

در همان مجلس سیصد نفر برای مهاجرت و مجاهدت حاضر گشتند و مبلغی که درخور مخارج آنها بود جمع آوری شد و قرار گذاشتند که چند روزی به نظامیور داند و همینکه در تیر اندازی مهارتی پیدا کردند روانه مقصد شوند (۱) حرکت مجاهدین شیراز به برازجان

از کان مسجدتوشیراز بر اثر پای کوبی و دست افشانی سربازان ملی متزلزل شده بود ، باعداد امروز از طرف قائم الاباله بیغامی رسیده بود که هاین چه تریب و اسلوب و ملت را از اینگونه کارها چه مقصود است ؟ جواب شنید که مأمور مشق نظام و ورزش هستیم ما را باد و اورا بما کاری نباشد . این جواب کافی نایب الاباله را ظاهر آقانع ساخت و دیگر به ارسال رسل مبادرت نوردید .

هیئت نظام ملی سرود ملی خوانان جولانگه خود را از مسجد او به کوچه و بازار بسط دادند . بیرق شیر و خورشید پیشاپیش و نظامیان با کمال نظم از عقب می رفتند و از هر گذری که عبور می کردند در قلوب خاص و عام هیجانی تولید میشد ، در آن میان حسین قنبر مشکی که از سادهترین افراد مجاهدین و آزدانش های محله ددرب شاهزاده بود کلمات ذیل را بهم تلفیق کرده و می گفت :

ماجان تار ملتیم      روز نهم در حرکتیم

مراد روز نهم ذیقعد بود که عازم برازجان بودند . سلطان معاضد و نایب داودخان هر روز برای مشق آنها حاضر میشدند و میرزا ابوالفضل فرزند آقا میرزا ابراهیم مجتهد رسید محمد هشیر مزاده سید جواد محقق العلماء حاج میرزا محمد باقر دستقیب سید ابراهیم شیاء الواعظین هر روز در مسجد توابستانه نطق می کردند . بالاخره روز نهم ذیقعد فرا رسید (۲) و آقا شیخ جعفر بر اسب سوار شد و شمشیری حمایل کرد و با ۷۰۰ نفر از مجاهدین که هر عده به سر کردگی يك

(۱) فارس و جنگ بین الملل ص ۱۱۵ و ۱۱۶ .

(۲) روز نهم ذیقعد الحرام سنه ۱۳۳۳ .